

فعالیت های ارامنه و نستوری ها در منطقه اورمیه و حوالی آن (۱۹۱۷-۱۹۱۸)

خلاصه

بعد از انقلاب بلشویکی اکتبر ۱۹۱۷، روسیه خارج از جنگ مانده بود. این وضعیت باعث شد تا در جنگ جهانی اول در سرزمین های ایران که صحنه ی درگیری و نزاع بین کشورهای روسیه، انگلیس، دولت عثمانی و آلمان بود، نیروهای آلمان و ترک برتری داشته باشند. در دوران ذکر شده، قوای عثمانی در تلاش بودند تا از طریق ایران به منطقه ی قفقاز برسند. انگلیس هم تلاش می کرد تا کنترل نقاطی از ایران که روسیه خالی کرده است را در اختیار بگیرد. علیرغم اینکه انگلیس می خواست قبل از قوای عثمانی شمال ایران را اشغال کند، ولی برای این کار نیروی {نظامی} کافی در اختیار نداشت. به همین دلیل انگلیس حمایت از ارامنه و نستوری هایی که اندک اندک در اورمیه و حوالی آن جمع می شدند، را دستور کار خود قرار داد. ارامنه و نستوری ها هم به قوای عثمانی و مردم مسلمانان غیرنظامی ساکن این منطقه حمله می کردند و بسیاری از آنها را به قتل می رساندند.

کلمات کلیدی: ارمنی، نستوری، اورمیه، انگلیس، روسیه، عثمانی

استناد (آپا): متین، ب. مترجم: زینالی، س. فعالیت های ارامنه و نستوری ها در منطقه اورمیه و حوالی آن (۱۹۱۷-۱۹۱۸). اورمیه: فصلنامه تخصصی "مطالعات تاریخ آذربایجان و ترک" - سال ۰۴، شماره ۱۱، بهار ۱۴۰۵. ۸۶۹۰-۳۰۴۱ شاپا

باریش متین

ایمیل:

Bmetin1@yahoo.com

وابستگی:

عضو هیئت علمی دانشگاه اوشاک

ترکیه

مترجم: سجاد زینالی

Bariş Metin

Email:

Bmetin1@yahoo.com

Affiliation:

Faculty member at Uşak
University, Turkey

Translator: Sajjad Zeynali

Activities of Armenians and Nestorians in the Urmia Region and Its Surroundings (1917-1918)

Abstract

Following the Bolshevik Revolution of October 1917, Russia withdrew from the war. This situation gave German and Turkish forces the upper hand in World War I on Iranian territory, which had been a scene of conflict between Russia, Britain, the Ottoman Empire, and Germany. During this period, Ottoman forces were attempting to reach the Caucasus region through Iran. Britain, meanwhile, was trying to take control of areas in Iran that Russia had vacated. Although Britain wanted to occupy northern Iran before the Ottoman forces, it did not have sufficient military forces for this purpose. Therefore, Britain made it a priority to support the Armenians and Nestorians who were gradually gathering in Urmia and its surroundings. The Armenians and Nestorians, in turn, attacked both the Ottoman forces and the unarmed Muslim civilian population of the region, killing many of them.

Keywords: Armenian, Nestorian, Urmia, Britain, Russia, Ottoman

CITATION (APA): Metin, B. Translator: Zeynali, S. Activities of Armenians and Nestorians in the Urmia Region and Its Surroundings (1917-1918). Urmia. Studies on Azerbaijan and Turk's history" Specialized Journal, year 04, number 11, Spring 2026, ISSN: 3041-8690.

Barış Metin

E-poçt:

Bmetin1@yahoo.com

Mənsubiyyət:

Türkiyənin Uşak
Universitetinin elmi işçisi

Tərcüməçi: Səccad
Zeynəli

Ermənilərin və Nesturilərin Urmiya Bölgəsi və Ətrafındakı Fəaliyyətləri (1917-1918)

Xülasə

1917-ci il Oktyabr Bolşevik İnqilabından sonra Rusiya müharibədən çıxmışdı. Bu vəziyyət, Rusiya, İngiltərə, Osmanlı Dövləti və Almaniya arasında münaqişə və mübarizə səhnəsi olan İran torpaqlarında I Dünya Müharibəsində Alman və Türk qüvvələrinin üstünlük qazanmasına səbəb oldu. Həmin dövrdə Osmanlı qüvvələri İran üzərindən Qafqaz bölgəsinə çatmağa çalışırdı. İngiltərə isə Rusiyanın boşaltdığı İran ərazilərinin nəzarətini ələ keçirməyə çalışırdı. İngiltərə Osmanlı qüvvələrindən öncə şimali İranı işğal etmək istəsə də, bunun üçün kifayət qədər hərbi gücə malik deyildi. Bu səbəbdən İngiltərə, Urmiya və ətrafında az-az toplanan erməni və nesturilər dəstəkləməyi prioritet hədəfə çevirdi. Ermənilər və nesturilər isə həm Osmanlı qüvvələrinə, həm də bölgədə yaşayan silahsız müsəlman əhaliyə hücum edərək onların bir çoxunu öldürdülər.

Açar sözlər: Erməni, Nesturi, Urmiya, İngiltərə, Rusiya, Osmanlı

CITATION (APA): Metin, B. Tərcüməçi: Zeynəli, S. Ermənilərin və Nesturilərin Urmiya Bölgəsi və Ətrafındakı Fəaliyyətləri (1917-1918). Urmiya: "Azərbaycan və Türk Tarixi Araşdırmalar" İxtisaslaşdırılmış Jurnal, il 04, nömrə 11, Yaz 2026, ISSN: 3041-8690.

Bariş Metin

E-posta:

Bmetin1@yahoo.com

Üyelik:

Uşak Üniversitesi, Eğitim
Fakültesi Öğretim, Üyesi

Çevirmen: Sajjad Zeynali

Ermeni ve Nasturilerin Urmiye Bölgesi ve Çevresindeki Faaliyetleri (1917-1918)

Özet

Ekim 1917 Bolşevik Devrimi'nin ardından Rusya savaştan çekilmişti. Bu durum, Rusya, İngiltere, Osmanlı Devleti ve Almanya arasında çatışma ve mücadele sahnesi olan İran topraklarındaki I. Dünya Savaşı'nda Alman ve Türk kuvvetlerinin üstünlük sağlamasına yol açtı. Söz konusu dönemde Osmanlı kuvvetleri, İran üzerinden Kafkasya bölgesine ulaşmaya çalışıyordu. İngiltere ise Rusya'nın boşalttığı İran bölgelerinin kontrolünü ele geçirmeye çalışıyordu. İngiltere, Osmanlı kuvvetlerinden önce kuzey İran'ı işgal etmek istemesine rağmen, bu iş için yeterli askeri güce sahip değildi. Bu nedenle İngiltere, Urmiye ve çevresinde azar azar toplanan Ermeni ve Nasturileri desteklemeyi öncelikli hedef haline getirdi. Ermeniler ve Nasturiler de hem Osmanlı kuvvetlerine hem de bölgede yaşayan silahsız Müslüman halka saldırarak birçoğunu öldürdüler.

Anahtar Kelimeler: Ermeni, Nasturi, Urmiye, İngiltere, Rusya, Osmanlı

CITATION (APA): Metin, B. Çevirmen: Zeynali, S. Ermeni ve Nasturilerin Urmiye Bölgesi ve Çevresindeki Faaliyetleri (1917-1918). Urmiye: Üç Aylık "Azerbaycan ve Türkiye Tarihi Üzerine Araştırmalar" Uzmanlık Dergi, yıl 04, sayı 11, Bahar 2026, ISSN: 3041-8690.

مقدمه

وقوع انقلاب اکتبر سال ۱۹۱۷ روسیه، روند جنگ جهانی را به شدت تغییر داد. دول متفقین و متحدین که انتظار چنین وضعیتی را نداشتند، مجبور شدند تا سیاست های جدیدی را در مورد روند جنگ اتخاذ کنند. {وقوع} انقلاب روسیه باعث شد تا مخصوصا برای دول متفقین، اتفاقات مهمی رخ بدهد و بتوانند برتری کسب کنند. بلشویک ها پس از ساقط کردن حکومت کِرنسکی (که بعد از حکومت تزارها بر روی کار آمده بودند)، تصمیم گرفتند به جنگ ادامه ندهند و درخواست کردند قرارداد آتش بس را امضا کنند. در نتیجه این درخواست در تاریخ ۱۵ دسامبر ۱۹۱۷، قرارداد متارکه ی جنگ امضا شد و تمام درگیری ها در جبهه های روس متوقف شد. در تاریخ ۲۲ دسامبر ۱۹۱۸ در شهر برست-لیتوسک میان آلمان، اتریش-مجارستان، دولت عثمانی، بلغارستان و بلشویک ها دیدارهای صلح آغاز شد و در تاریخ ۳ مارس ۱۹۱۸ قراردادی امضا شد که به خاطر نام شهر، قرارداد برست-لیتوفسک نام گرفت. در قرارداد برست-لیتوفسک موضوع رعایت سیاست بیطرفی ایران و حفظ تمامیت ارضی ایران (برای این امر، قراردادی که بین روسیه و انگلیس در سال ۱۹۰۷ امضا شده بود و ایران را به سه قسمت تقسیم کرده بود، ابطال شد) هم مورد بررسی قرار گرفت و تصویب شد که سربازان روس و ترک از آذربایجان جنوبی خارج شوند. اتفاقات ذکر شده باعث شد تا برای دولت عثمانی و آلمان که در منطقه در حال جنگ با روسیه بودند، موقعیت مناسبی مهیا شود. از دید امنیتی، در مرزهای شرقی دولت عثمانی خطر بزرگی از میان رفته بود. همچنین دولت عثمانی موفق شد تا سیاست (اتحاد اسلام) خود را در سرزمین های اسلامی که مدت ها بود تحت سلطه ی روسیه و انگلیس بودند، اعمال کند و نفوذ خود را بر روی ایران افزایش دهد. شاه ایران که از تصمیم تخلیه ایران در قرارداد برست-لیتوفسک بسیار خوشحال شده بود، شخصا با فرستادن تلگرافی به وزارت خارجه ی عثمانی "خرسندی خود را از ابراز احساسات دوستانه ی دولت عثمانی" بیان کرد. خروج نیروهای روس از ایران با انقلاب بلشویکی اکتبر ۱۹۱۷ و آغاز دوران هرج و مرج مصادف شد. در این اثنا در آذربایجان جنوبی به دلیل خلا قدرت مرکزی و از بین رفتن آرامش، همچنین به دلیل نبود پلیس و نیروی ژاندارم کافی برای ایجاد اقتدار حکومت ایران، یک فضای هرج و مرج در شهرها، شهرستان ها و روستاهای ایران که سربازان روس در آنجا حضور داشتند، ایجاد شد. در این اوضاع که سربازان روس نظم و اتحاد خود را از دست داده بودند و حتی از امرار معاش خودشان عاجز بودند، شروع به غارت کردند. پرسی سیکس، فرمانده نیروهای تیرانداز جنوب ایران (نیروهای پلیس جنوب ایران) که توسط انگلیس در جنوب ایران ایجاد شده بودند، رجال روس را به استناد نامه ی یکی از دوستانش که ساکن تبریز بود، اینگونه توصیف می کند: "هزاران نفر از سربازان روس اینجا در حال پرسه زنی هستند. تنفگ ها، مهمات، اشیا، اسب ها و هر چیز قابل فروش شان را اینجا دارند می فروشند. اسب ها به ازای چند شیلینگ فروخته می شود. اما تفاوت قیمت علوفه و قیمت اسب ها به قدری زیاد است که قیمت اسب ها مانند یک هدیه است. در حقیقت به دلیل ضعف حکومت ایران در شمال و غرب ایران، روس ها متحمل ضرر و زیان بسیاری شده اند."

در ماه های فوریه و مارس ۱۹۱۸ در دورانی که روس ها، سرزمین های ایران را تخلیه کردند و موقعیت مناسبی برای نیروهای ترک ایجاد شد، ارامنه و نستوری های ساکن ایران در اطراف ساوجبلاغ (مهاباد فعلی) سلاح های روس ها را در اختیار گرفتند و در اطراف اورمیه و دیلمقان جمع شدند. ارامنه و نستوری های منطقه ی وان که دیگر در مقابل نیروهای عثمانی قرار نداشتند، با ارامنه و نستوری های ساکن ایران در اطراف دریاچه ی اورمیه متحد شدند و خود را برای جنگ و درگیری با مردم مسلمان محلی و نیروهای عثمانی آماده می کردند. در این وضعیت، نیروهای عثمانی از طرف منطقه ی وان به سمت اورمیه و از طرف منطقه ی اربیل و رواندوز به سمت آذربایجان جنوبی و قفقاز روانه شده بودند. افسران ارتش عثمانی که در منطقه حضور داشتند، مشاهدات و گزارشات خود را از خروج نیروهای روس و اتفاقات رخ داده هنگام خروج روس ها، پیاپی به اطلاع فرمانده بالامقام خود می رساندند. مامور استخبارات ارتش عثمانی، ستوان صادق افندی که از اوایل دسامبر ۱۹۱۷ تا اواسط ژانویه ۱۹۱۸ در منطقه ی همدان و سنندج حضور داشت، مشاهدات و شنیده های خود را در قالب گزارشی آماده می کند و در تاریخ ۱۱ ژانویه ۱۹۱۸ از طریق موصل به ریاست شعبه ی اول می فرستد. در این گزارش نوشته شده است: "روس ها از ۱۲ دسامبر ۱۹۱۷ شروع به تخلیه منطقه کردند و تا ۲۶ دسامبر ۱۹۱۷ هیچ سرباز روسی دیگر در منطقه حضور نداشت."

فعالیت های ارامنه و نستوری ها بعد از خروج روس ها

دولت عثمانی فعالیت های ارامنه و نستوری ها در اورمیه را از نزدیک تحت نظر داشت. خلیل پاشا، فرمانده ارتش ششم، بیشتر مسئولیت انجام هر طرحی برای مقابله با ارامنه و نستوری ها را بر عهده گرفته بود. خلیل پاشا در تلگرافی که در تاریخ ۲۲ ژانویه ۱۹۱۸ از موصل به فرماندهی دسته ی رواندوز می فرستد، بنابر اطلاعات گوناگون استخبارات، از تخلیه کامل سقز و ساوجبلاغ و احتمال تخلیه ی اورمیه خبر می دهد و از ماموران استخبارت می خواهد تا این اطلاعات را کامل تایید کنند. در این تلگراف همچنین از ماموران استخبارات خواش شده است برای کسب اطلاعات در مورد وضعیت و آمار نیروهای ارامنه و نستوری ها، اهمیت بیشتری داده شود. در ۲۲ ژانویه ۱۹۱۸ تلگرافی به صورت رمزی به فرماندهی ارتش دوم فرستاده شد و در مورد تخلیه سقز و ساوجبلاغ اطلاعات داده شد. در این تلگراف در مورد فعالیت های ارامنه و نستوری های منطقه این جملات دیده می شود: "به موجب ماده ی متارکه نامه ای که بین دول متفقین و روسیه در تاریخ ۱۵ دسامبر ۱۹۱۷ امضا شده است، روستائیان ما برای تهیه ی ارزاق از حدمرز اطراف شمدینان عبور کرده اند. {روستائیان ما به هنگام عبور از مرز} با رفتار خوب روس ها مواجه شده اند. ولی روستائیان ما از طرف ارامنه و نستوری هایی که به صورت مسلحانه در حال رفت و آمد هستند، به قتل رسیده اند. بنا بر اظهارات یکی از افرادی که جان سالم به در برده است، در مناطق جنوبی اورمیه حدود ۲ هزار نفر ارمنی و نستوری حضور دارند. اعتراضات به فرمانده ارتش اول روس قزاق قفقاز اعلام شده است که هنوز جوابی دریافت نشده است." در تلگراف رمزی که خلیل پاشا در تاریخ ۵ فوریه ۱۹۱۸ به جانشین فرمانده کل فرستاد، نوشته شده است که علیرغم دریافت

خبرهایی مبنی بر تخلیه اورمیه از نیروهای روس، وی تلاش می کند تا نیروهای ارامنه و نستوری ساکن در حوالی اورمیه را از هم بپاشاند و شهر را بدون ایجاد هرگونه مشکلی اشغال کند. در این تلگرام درخواست شده است تا به منظور وارد شدن به اورمیه با یک گردان قوی تر، برای مدتی اجرای عملیات اشغال به عقب بیافتد و باید ارتش سوم حاضر در وان اجرای عملیات را بر عهده بگیرد. همچنین در این تلگرام خواسته شده است تا برای نیرومند ظاهر شدن در اورمیه، از عشایر کوار؟ و جنوب کوار؟ استفاده شود و این فصل از سال برای کوچ عشایر و امرار معاش آنها، مناسب نیست. در این تلگرام اضافه شده است موضوع تخصیص نیروهای بیشتر، به نتیجه ی عملیات سنجار بستگی دارد.

از ابتدای جنگ دولت های عثمانی و آلمان قصد داشتند مسلمانان ایران، افغانستان و هندوستان را بر علیه انگلیس بشورانند. انگلیس می دانست با خروج روسیه از ایران آلمان و عثمانی موفق خواهند شد به این هدفشان برسند. همچنین انگلیس می خواست با حرکت به سمت قفقاز، به منابع نفت باکو دست پیدا کند و زمینه ی مساعدی برای رسیدن به مسلمانان روسیه ایجاد کند. وزیر دفاع انگلیس، چرچیل بعد از انقلاب بلشویکی وضعیت مشرق زمین را با این سخنان ارزیابی کرده بود: "خطر اصلی در شرق است. باید از منافع انگلیس در ایران و اقیانوس هند محافظت کنیم" بنابراین انگلیس تصمیم گرفت به نقاطی که روس ها تخلیه می کردند، نیرو بفرستد. انگلیس غیر از نیروهای محدودی که در جنوب ایران داشت، نیروی کافی برای فرستادن به شمال ایران نداشت. نزدیکترین نیروی انگلیسی به آذربایجان جنوبی هم در بغداد مستقر بود که این مسافت هم بسیار دور بود. به همین دلیل انگلیس برای جلوگیری از تهاجم احتمالی ترک ها و با هدف متوقف کردن ترک ها، تصمیم گرفت برای سازماندهی، تعلیم و آموزش نظامی ارامنه، نستوری ها و سربازان مزدوری که از ارتش روسیه فرار کرده بودند، یک هیئت نظامی را به منطقه بفرستد. در راس این هیئت نظامی ژنرال دانسترویل قرار داشت. در حالی که کنسول های انگلیس و آمریکا فعالیت های خود را برای سازماندهی ارامنه و نستوری ها ادامه می دادند، یک هیئت نظامی دیگر شامل دو فرمانده بلند مرتبه و ۱۲ افسر با هدف اشغال شهر بندری انزلی در ساحل دریای خزر، با اتومبیل از بغداد به سوی ایران حرکت کردند.

بنا بر اظهارات احتشام السلطنه سفیر ایران در عثمانی، انگلیسی ها به ژنرال باراتف فرمانده نیروهای روس حاضر در ایران پیشنهاد داده اند تا زمانی که اراضی تحت اشغال روس ها توسط انگلیسی ها اشغال نشده است، برای تخلیه این اراضی به سربازان روس کمک کنند. در مورد این موضوع خبری در روزنامه/قد/م منتشر شد که باراتف بعد از انقلاب روسیه در اورمیه اقامت می کند و از تامین معاش سربازان و افسران ارتش روس عاجز می ماند و به دلیل ترس از بلشویک ها به همراه ملازمانش به ارتش انگلیس می پیوندند. در این روزها، افسران تحت امر باراتف مشغول تعلیم و آموزش ارامنه و نستوری ها بودند.

تخلیه خاک ایران از ارتش روسیه باعث شد تا ارامنه و نستوری هایی که مدت مدیدی در جاه طلبی تشکیل دولت مستقل بودند و با ارتش روسیه متفق شده بودند، دچار یاس و ناامیدی بشوند. ولی در کوتاه مدت انگلیسی ها جای روس ها را گرفتند. خلیل پاشا، فرمانده ارتش ششم در تلگرافی که در ۱۳ آوریل سال ۱۹۱۸ به فرماندهی تیپ ششم می فرستد، با توجه به تجربیات ارتش عثمانی از مقابله با ارامنه، دیدگاه های خودش را در مورد رفتار ارامنه بعد از خروج روس ها و سیاستی که بعد از این باید پیگیری شود را بیان می کند. بر این اساس، روحیه ی ارمنی ها بعد از اینکه حمایت و کمک پیش بینی شده را از روس ها دریافت نکردند، کاملاً خراب خواهد شد. با نیروهای کوچک می توان جلوی قتل و غارتی که ارمنی ها در حال حاضر انجام می دهند، ایستاد و موفق بود.

بنا بر محتویات تلگراف ذکر شده، ارمنی ها امیدوار هستند تا تحت حمایت آمریکایی ها، فرانسوی ها و انگلیسی ها قرار بگیرند و منتظر فرصتی هستند تا به آنها بپیوندند.

فعالیت های نظامی نیروهای ترک در اورمیه و پیرامون آن

بعد از خروج روس ها فعالیت های دستجات ارمنی و نستوری در اورمیه و اطراف آن متمرکز شده بود. خلیل پاشا، فرمانده ارتش ششم در تاریخ ۱۳ ژانویه ۱۹۱۸ در تلگراف شش ماده ای که به فرماندهی گروه رواندوز فرستاد، از دریافت خبرهایی مبنی بر ایجاد تشکیلات ارامنه در حوالی اورمیه بعد از تخلیه ی مناطق اشنویه، پاه و ساوجبلاغ خبر می دهد. در این تلگراف دستور داده شده است که: "برای کسب اطلاعات در مورد تخلیه ی نظامی ایران از روس ها، سازمان یابی ارامنه در داخل ایران و فهم ابتکارات انگلیس ها، باید در مناطق مرزی نزدیک به ایران در مورد کسب اطلاعات صحیح برای امکان تدارک ارزاق و امورات دیگر، در اطراف گروه رواندوز، پاه، اشنویه و مرگور عوامل شناسایی قوی به کار گرفته خواهد شد." به فرمانده گروه های شناسایی گفته شده بود، در مواردی که با روس ها مواجه شدید، پرچم سفیدی را که در اختیار دارید را نشان داده و بگویید برای مشاهده و نظارت وضعیت عمومی مامور شده اید. همچنین به گروه های شناسایی گفته شده بود به هنگام بازگشت مواظب کمین گروهک های ارمنی باشند و تا مسیر میاندوآب به اورمیه، به فرستادن جاسوسان بیشتر در مورد تشکیلات ارامنه و سربازان ارتش اطلاعات کسب کنند. خلیل پاشا در تلگرافی که در تاریخ ۱۲ مارس ۱۹۱۸ از موصل به فرماندهی تیپ ششم می فرستد، در مورد فعالیت های ارامنه در اورمیه می گوید: "جنوب اورمیه در خطر اشغال ارامنه قرار دارد. من به تجاوز ارامنه به جنوب اورمیه اهمیتی نمی دهم. ولی گروهک های مختلفی وجود دارند که احتمال تعرض و چپاول اهالی محلی توسط این گروهک ها وجود دارد." خلیل پاشا در مورد اقدامات لازمه می گوید: "برای مقابله با این وضعیت، ما باید اشنویه را تصرف کنیم و مردم محلی را تحت حمایت خود در بیاوریم. باید با استفاده از اسب سواران، مانع از {چپاول ارامنه} بشویم." ارامنه و نستوری ها در

منطقه ی اشنویه، خانه های اهالی مسلمان را تخریب کرده و مردم مسلمان را به قتل رسانده بودند. حتی برخی ترک های مسلمان ساکن منطقه ی اشنویه، مانند قره پاپاق ها را مجبور به مهاجرت کرده بودند. در تلگرافی که خلیل پاشا در تاریخ ۲۶ مارس ۱۹۱۸ به فرمانده ارتش سوم می فرستد و در تلگرافی که توسط نائب فرماندهی کل در تاریخ ۲۴ مارس ۱۹۱۸ احتمالاً در جواب تلگراف فرمانده ارتش سوم نوشته شده و حاوی دستورات شماره ی ۴۲۴۲ بود، نوشته شده است: "دولت عثمانی تصمیم گرفته است برای مانع شدن بر فعالیت های ارامنه اطراف دریاچه ی اورمیه، همراه با نیروهای شامل اهالی مسلمان ساکن در آذربایجان و ارتش های سوم و ششم، مشترکاً در اطراف قارص و ایروان یک سری فعالیت آغاز کند." بنا بر اطلاعاتی که خلیل پاشا، فرمانده ارتش ششم قبل از آغاز عملیات مشترک در مورد وضعیت ارامنه ی ایران به فرماندهی ارتش سوم می دهد، یک سری از نیروهای ایرانی به فرماندهی ولیعهد ایران از شهر تبریز حرکت می کنند و بین آنها و ارامنه در شهر خوی درگیری ایجاد می شود. در این درگیری ها ارامنه شکست خورده و فرار می کنند. بعد از این شکست روستاهای ارمنی به دست ولیعهد ایران تصرف می شود. در تاریخ ۲۷ مارس ۱۹۱۸ از طرف خیری، فرماندهی تیپ ششم به فرماندهی ارتش ششم تلگرافی در مورد وضعیت شهر اورمیه فرستاده شد که حاوی اطلاعات دو جاسوس بود که ۲ ماه پیش از رواندوز به اورمیه فرستاده شده بودند و تازه برگشته بودند. در این تلگراف نوشته شده است: "ارمنی ها، سلاح های مردم اورمیه را جمع کرده اند و بعضی مردم سلاح هایشان را در زمین دفن کرده اند. در اورمیه فقط کنسول آمریکا و نائب کنسول فرانسه حضور دارند. کنسولگری فرانسه با ارمنی ها کاری ندارد و کنسول آمریکا هم یک دکتر ثروتمند است که مدت طولانی است در اورمیه اقامت دارد و به مردم فقیر کمک می کند. در پایگاهی با نام شرفخانه که در نقشه در شمال اورمیه قرار دارد، مقدار زیادی سلاح و مهمات وجود دارد که از طرف روس ها در آنجا رها شده اند. یک نیروی ۱۰۰۰ نفری از ارامنه به فرماندهی مارشیمون از اورمیه به منطقه حرکت کرده و مغلوب نیروی سواره نظام ۱۵۰۰ نفره والی ایران می شود. ارامنه ی شکست خورده که از سمت دیلمقان عقب نشینی می کردند، مورد حمله ی دو طایفه قرار می گیرند و ۵۰۰ کشته و تعداد زیادی اسیر می دهند. در حال حاضر در دیلمقان ۲۰۰۰ ارمنی وجود دارد که این ارامنه دارای تفنگ های روس و فرانسوی هستند و دارای ۲ توپ جنگی و ۲ تفنگ خودکار هستند."

سپاه چهارم به فرماندهی علی احسان که بنا به دستور نائب فرماندهی کل و از طرف ارتش سوم به منطقه ی وان فرستاده شده بود، وان را تصرف کرده و در مناطق سارای و باش قلعه ارمنی ها را مورد تعقیب قرار داده بود. یک گروهان از گردانی که از طرف ارتش ششم برای حرکت به سمت اورمیه تخصیص داده شده بود در تاریخ ۵ آوریل سال ۱۹۱۸ از مرز رایات گذشته و در طرف اشنویه قرار دارد. سه گروهان دیگر هم بین اربیل و رواندوز در حال حرکت هستند. گردان بعد از جمع شدن در اشنویه برای تصرف اورمیه حرکت خواهد کرد. خلیل پاشا در تلگرافی که به فرماندهی سپاه سیزدهم و فرماندهی تیپ ششم فرستاد، از تصرف وان ابراز خرسندی کرده و خواسته بود، "در صورتی که ارامنه ی فراری از وان به ارامنه ی منطقه ی اورمیه بپیوندند ممکن است

سپاه چهارم که این ارامنه را تعقیب می کند از لحاظ تعداد مهمات و اسلحه در مضیقه قرار بگیرد و به همین دلیل تیپ ششم باید سریعاً اورمیه را تصرف کند." از اینرو خیری خلیل پاشا، فرمانده تیپ ششم خبرهایی مبنی بر تجمع ارامنه ی در اورمیه برای محافظت از شهر دریافت کرده و خواستار فرستادن یک گروهان به ساوجبلاغ شده بود. در تلگرافی که خلیل پاشا در تاریخ ۱۳ آوریل سال ۱۹۱۸ به فرماندهی ارتش سوم و فرماندهی سپاه چهارم (وابسته به ارتش سوم) در مورد وضعیت ارمنی های منطقه ی اورمیه فرستاده بود نوشته شده است، ۳ الی ۴ هزار ارمنی تحت فرماندهی افسران انگلیس و فرانسه با دو؟ به همراه ۴ توپ جنگی که دوتایش توپ معمولی هستند و چند تفنگ اتوماتیک وجود دارد. همچنین در این تلگراف نوشته شده است گروهان های پیشروی ارمنی در ۲۰-۳۰ کیلومتری جنوب اورمیه در سرشاخان، حازملار؟، ماشان؟ و سلواتی؟ حضور دارند. ارمنی ها از حکومت ایران خواسته بودند تا برای پیوستن به ارتش انگلیس به آنها اجازه بدهد. ولی حکومت ایران جواب داده بود اگر سلاح هایشان را ترک کنند، به آنها اجازه ی پیوستن به ارتش انگلیس را خواهند داد. در این دوران ارتش عثمانی که در موصل با ارتش انگلیس در حال جنگیدن بود. خبرهایی مبنی بر حمله ی ارامنه ی اورمیه به ارتش عثمانی در موصل به گوش استخبارات عثمانی می رسید. از اینرو وظیفه ی تصرف منطقه ی اورمیه-دیلماقان به سپاه چهارم داده شده بود. سپاه در ۱۰ می سال ۱۹۱۸ از اشنویه به سمت اورمیه حرکت کرده بود. انور پاشا در تلگرافی که در تاریخ ۱۱ می ۱۹۱۸ به فرماندهی ارتش ششم فرستاده بود با اعلام اینکه خبرهای استخباراتی مبنی بر حمله ی ارامنه به ارتش عثمانی در موصل وجود دارد، نوشته است "دستور حرکت سپاه چهارم به سمت اورمیه را داده است و همزمان از یک تیپ درخواست کرده است تا به سمت ایروان-جلفا حرکت کند و بدون کسب اجازه از حکومت قفقاز، خط تبریز را تصرف کند. در حالی که ارتش ششم در رایات و اشنویه برای حرکت به سمت ارومیه آماده می شد، پل مارشیمون رهبر معنوی نستوریان با فرستادن نامه ای به فرماندهی لشکر ششم از وابستگی به دولت عثمانی سخن گفته و نوشته بود "فریب روس ها را خورده اند و مجبور بودند تا در برابر گُردها از خودشان دفاع کنند و تقاضای عفو کرده بود." ولی مدتی بعد دوباره به ارتش عثمانی حمله کردند. سپاه چهارم در ۱۸ ژوئن ۱۹۱۸ دیلماقان را تصرف کرد. بعد از تصرف دیلماقان و جلگه ی سلماس به دست نیروهای عثمانی، آندرانیک به همراه نیروهای ارمنی تحت امر خود از جلفا و از جبهه ی قفقاز با گذشتن از رود ارس، به سمت جنوب و شهر خوی حرکت می کنند. هدف ارمنی ها این بود تا به ارتش انگلیس که تا شهر تبریز رسیده بودند، بپیوندند و ارتش عثمانی را مغلوب کنند و سپس دوباره به قفقاز بازگردند. ولی نیروهای عثمانی به نیروهای ارمنی اجازه نمی دهند که به ارتش انگلیس بپیوندند و آنها را شکست می دهند. ارمنی ها هم مجبور می شوند تا به شمال رود ارس فرار کنند. در تلگرافی که در تاریخ ۲۲ آگوست سال ۱۹۱۸ از کنسولگری سنندج به نائب فرماندهی کل ارتش فرستاده شده بود، خبرهایی مبنی بر اعزام نیروهای انگلیسی حاضر در کرمانشاه به سنندج داده شده و همچنین نوشته شده است که انگلیس آماده می شود تا به سوی ساوجبلاغ و شمال حرکت کند. بعد از مدتی انگلیسی ها به خط

رشت - اورمیه رسیده بودند و به روستای باسمنج در ۱۰ کیلومتری تبریز نزدیک شده بودند. انور پاشا، نائب فرمانده کل در تلگرافی که در تاریخ ۶ می سال ۱۹۱۸ به فرمانده ارتش سوم در جبهه ی قفقاز می فرستد، عصیان و سرکشی ارامنه و انگلیسی ها در آذربایجان جنوبی و تبریز مورد توجه قرار داده و هر چه سریعتر خواستار فرستادن یک نیروی قوی به تبریز شده و همچنین خواسته است تا کنترل خط راه آهن بین قفقاز و تبریز در اختیار عثمانی گرفته شود. بنابر تلگرافی که در تاریخ ۳ ژوئن سال ۱۹۱۸ از طرف ۴۶ امین افسر استخبارات که در پناه حضور داشت به فرماندهی ارتش ششم فرستاده شده است، با حرکت نیروهای دولت عثمانی به سمت تبریز، کنسول های انگلیس و فرانسه شهر را ترک کرده و ارمنی های حاضر در تبریز هم فرار را آغاز کرده بودند. نیروهای عثمانی موفق شدند در مدت کوتاهی شهر تبریز را قبل از انگلیسی ها به تصرف خود دریاورند. بعدها هم در مناطق میانه، تیکمه داش، قره چمن و ترکمنچای با انگلیسی ها به شدت درگیر شده و آنها را مجبور می کند تا به سمت جنوب شرقی عقب نشینی کنند.

انگلیسی ها اینگونه برنامه ریزی کرده بودند که از یک طرف بعد از خروج روس ها از ایران، با ارامنه و نستوری های منطقه ی اورمیه متحد شوند و جلوی نیروهای عثمانی را بگیرند و از طرف دیگر قصد داشتند تا از طریق مسیر تهران - قزوین شهر رشت و از آنجا شهر بندرانزلی در ساحل دریای خزر را تصرف کنند و سپس از آنجا و از طریق دریا به شهر باکو برسند و در باکو با ارامنه که در آن روزها شهر را در اختیار داشتند، متحد شوند و شهر باکو را اشغال کنند. ولی نیروهای رشت به رهبری میرزا کوچک خان و آقا احمد خان گیلانی که از رهبران شهر رشت بودند، با نام جنبش جنگلی ها یا برادران جنگل در گیلان تشکیل شدند و با ارامنه و انگلیسی های منطقه درگیری های مهمی داشتند. در بین نیروهای جنگلی بعضی از افسران ترک هم حضور داشتند و بین آنها افراد صاحب سخنی چون آقا سید عبدالوهاب، آقا سید محمود، آقا حاجی شیخ محمد حسن، آقا شیخ علی و آقا شیخ محمد حسین حضور داشتند. در بیان نامه هایی که جنگلی ها در داخل ایران پخش کرده بودند، در مورد اهدافشان اینگونه اطلاعات داده شده بود. هدف: کسب واقعی استقلال - آزادی وطن و مبارزه و مقاومت در برابر انگلیسی که مانع از زندگی خوب ایرانیان با کشورهای مسلمان همسایه می شد. نام میرزا کوچک خان جنگلی از زمان مشروطیت بر سر زبان ها افتاد و دولت عثمانی از اوایل جنگ از میرزا کوچک خان که در مقابل فعالیت روس ها ایستاده بود، حمایت می کرد. دولت عثمانی به خصوص بعد از خروج روس ها از طریق فرماندهی ارتش ششم به میرزا کوچک خان اسلحه و هدایای پرارزش می فرستاد. نیروهای جنگلی که در مورد نیروهایش اطلاعات دقیقی در اختیار نیست، در محافظت از پل منجیل که برای گذر نیروهای انگلیس از رشت به قفقاز اهمیت ویژه ای داشت، موفق بودند و کنترل بانک انگلیس در رشت را در اختیار گرفته و کنسول انگلیس در رشت، یعنی مک لورن و سروان نوویل را بازداشت کرد.

نتیجه

مناطقى از ایران که تحت اشغال روس ها بود، صحنه ی درگیری های زیادى بین روس ها و دولت عثمانى بود. بعد از انقلاب بلشویكى و به خصوص پس از خروج روس ها از ایران، خطر انگلیسى ها، ارامنه و نستورى ها برای ایران افزایش یافته بود. سربازان روسى که بعد از فروپاشى امپراتورى تزار، واحدهای نظامیشان از هم پاشیده شده بود، به هنگام تخلیه ی ایران مناطق عبورى را غارت و چپاول مى کردند و منازل را به آتش مى کشیدند. ارمنى ها و نستورى ها از آغاز جنگ در داخل ارتش روس جای گرفته بودند و به هنگام عقب نشینی ارتش روس از آناتولى به همراه آنها وارد منطقه ی اورمیه شده و با هم نژادان ارمنى و نستورى خود در اورمیه متحد شدند. این ارامنه و نستورى ها سلاح های مربوط به ارتش روس را در اختیار گرفته و به ترک های ساکن در آذربایجان جنوبى حمله کرده و قتل عام های زیادى را مرتكب شده اند. انگلیس هم برای امنیت مستعمره اش هندوستان که اهمیت زیادى برایش داشت و هم با هدف جلوگیری از افتادن نفت باکو در دستان کشورهای متحدین، به مناطقى که روس ها تخلیه مى کردند، سرباز مى فرستاد. انگلیس برای اینکه از تصرف مناطقى که روس ها تخلیه کرده اند توسط ترک ها جلوگیری کند و خودش جلوتر از ترک ها این مناطق را اشغال کند، با کمک کنسول های آمریکا و فرانسه، از ارمنى ها و نستورى ها حمایت مى کرد. حتى برای آموزش گروهک های ارمنى و نستورى، باراتوف که یکى از فرماندهان باقى مانده ی ارتش روس بود را در قبال پول استخدام کرده بود. بعد از قتل عام اهالى ترک اورمیه توسط ارمنى ها و نستورى ها، نیروهای ارتش ششم و ارتش سوم از طرف شمال و جنوب به سمت اورمیه حرکت کرده و ارامنه و نستورى های این منطقه را شکست داد. این نیروها با ادامه ی مسیر به سمت خوى، شهر تبریز را به تصرف خود در مى آوردند. نیروهای انگلیسى برای اینکه از راه دریا به شهر باکو برسند، قصد داشتند تا شهر بندرى انزلى در ساحل دریای خزر را اشغال کنند. برای مدت زمان زیادى نیروهای مسلحى در منطقه ی گیلان با نام برادران جنگل به رهبرى میرزا کوچک خان جنگلى موفق شدند تا از این تعرض انگلیسى ها جلوگیری کنند. در ۳۰ اکتبر سال ۱۹۱۸ بعد از امضای قرارداد ترک مخاصمه ی مُندرس و پایان جنگ، تنها منطقه اى که نیروهای عثمانى فراتر از مرزهای سال ۱۹۱۴ حضور داشتند، شمال ایران بود و بنا به یکى از بندهای قرارداد ترک مخاصمه، نیروهای عثمانى باید منطقه شمال ایران را تخلیه مى کردند.